

اشاره

علما و دانشمندان، سنگهای بنای معماریهای جامعه هستند. برای بازشناسی و معرفی غنا و عمق دیرینگی فرهنگی یک کشور باید به سراغ فرزاندانی برویم که دانش اندوخته اند و سپس آن را در اختیار مردم جامعه شان قرار داده اند. در این فرصت به سراغ یکی از ادیبان بزرگ ادبیات عرب خطه سنگتخت- بندر می رویم که استاد مسلم این فن و این رشته است. آخرین روزهای سال ۱۳۸۷ بود شنیدم استاد شیخ محمدداد واعظ بندر، عالم، خطیب، ادیب ادبیات عرب خیلی پیر شده و مریض است و از تدریس مانده است. با این باور که ایشان یکی از چنارهای کهن علم و فرزاندی و یکی از عالمان به نام ولایت دایکندی (ارزگان شمالی) می باشد، به سراغ ایشان رفتم و احوال پرس ایشان شدم و ماحصل گفت و شنود با این شخصیت فرزانه را به اتفاق هم مرور می کنیم. این گفت و شنود زندگی علمی و ادبی وی و نیز یادکردی از عالمان و فرزاندان ولسوالی سنگتخت- بندر را دربر دارد. از آنجا که عالمان و فرزاندان این سرزمین در غبارهای زمانه و گذشت روزگار محو می شوند و متأسفانه هیچ تذکره ای و هیچ اثری راجع به آنها وجود ندارد، لذا بجاست تا همت کرده غبارهای زمانه را از رخ خورشیدهای علمی کشور برداریم.

استاد شیخ محمدداد واعظ بندر، عالم دینی، خطیب و ادیب بزرگ ادبیات عرب است. از سن و سالش می پرسیم می گوید تخمیناً هفتاد ساله شده است. وی در قریه سیلیبتوی بندر به دنیا آمده است. درس را در زادگاهش شروع کرده است. در ظرف یک زمستان قرآن، کتاب حافظ، فلک ناز را نزد پدرش تلمذ کرده است. سپس به فراگیری ادبیات عرب پرداخته و در محضر استاد بزرگ ادبیات عرب مرحوم شیخ موسی کربلایی بندر (ره) به زودی به سرحدی رسیده است که ادبیات عرب را بتواند تدریس کند. درس کتاب موسوم به "حاشیه ملا عبدالله" در علم منطق را نیز نزد استاد شیخ موسی کربلایی بندر خوانده است. سپس در سال ۱۳۳۶ خورشیدی برای تکمیل تحصیلات عازم کشور عراق شده است. در حوزه علمی شهر نجف پایتخت عراق درس را دنبال کرده است. در آنجا به مدت ۵ سال مقطع تحصیلی موسوم به "سطح" را به اتمام رسانده است و به درس دوره تخصصی و اجتهادی موسوم به "خارج" نزد عالم و فقیه و مجتهد زمان مرحوم سید ابوالقاسم خوبی (شرکت) شرکت و شروع به تلمذ کرده است. ضمن درس به تدریس ادبیات عرب و تدریس کتاب درسی موسوم به "قوانین" و کتاب درسی علم اصول موسوم به "معالم الاصول" را نیز تدریس کرده است. استاد واعظ پس از مدت هفت و نیم سال تحصیل در بزرگترین حوزه درسی امامیه به وطن بر می گردد و در زادگاهش به منبر و وعظ و تدریس می پردازد و در بندر تا کتاب قوانین و کتاب درسی فقه استدلالی امامیه موسوم به "شرح لمعه دمشقیه" به تدریس مشغول می شود.

استاد واعظ بندر در اول انقلاب از اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی غافل نمی ماند. یک سال اول انقلاب علیه اشغالگران روسی در چخچران ولایت غور در جبهات جنگ به جهاد می پردازد. به مدت دو سال رئیس کمیسیون فرهنگی شورای اتفاق انقلابی در منطقه سنگتخت بوده است که این شورا عهده دار نظم اجتماعی در دوران بی حکومتی اشغال کشور توسط شوروی بوده است. سپس کشور را ترک می کند و به ایران مهاجر می گردد و در شهر مشهد مقیم می شود و به تدریس و تربیت کسانی می پردازد که علاقه به ادبیات عرب دارند. از استاد واعظ می پرسیم از استنادانش بگویند

## عالمان و فرزاندان ولسوالی سنگ تخت- بندر

[در گفت و گوی با ادیب ادبیات عرب استاد شیخ محمدداد واعظ بندر]

۰۴ پ



عکاس: علی پیام  
زمستان ۱۳۸۷

شیخ موسی کربلایی می گوید که وی مرد عالم و جمیع علوم بوده و از نظر میزان تحصیلی مقطع موسوم به "سطوح عالیه" به پایان برده بوده است. شیخ کربلایی فقط در افغانستان درس خوانده است. وی در محضر اساتید و علمای مانند شیخ قاسمعلی، مشهدی و شیخ موسی یکاولنگ تلمذ کرده است و بعد به تدریس پرداخته است. او در ادبیات عرب و تفسیر قرآن بی نظیر بوده است. از جاهای مختلف افغانستان مثلاً از کابل و جاهای دیگر خدمت ایشان می آمده است و تلمذ می کرده است.

از دیگر کسانی که استاد واعظ نام می برد مرحوم شاه ناظر است. از واعظ معروف بندر "سید ذاکر حسین موسوی" پسر برادر آیت الله عالم بندر نیز یاد می کند و می گوید که آن مرحوم خدمات شایانی کرده است. در دوره استبداد از مرکز ولسوالی (خدیج) برای سخنرانی همواره دعوت می شده است. حافظه استاد واعظ به قبل تر از این نامها و نشانها بر نمی گردد و به همین آدرسها متوقف می شود. با خودم می گویم اگر سراغ همین نامها و نشانها را نگیریم، شاید در زمانهای اندک در لایه های غبار زمانه محو شوند. همان طوری که خیلیها محو شده اند. و با خودم می گویم که غبار رومی این چهره های فرزاندان و عالمان و هنرمندان و افرادی که در حیات جامعه تأثیر گذاشته اند، پایه های فرهنگ و تمدن این سرزمین محسوب می شوند.

استاد واعظ گوشش کمی سنگین شده، شکایت دارد که سمعک گرفته است ولیکن جواب نداده است. او در حالی که روی تشکچه ای کنار بخاری نشسته است از صحبتهاش معلوم است که امید دارد هرچه زودتر حالش بهبودی یابد تا به تدریس برگردد. در ادامه از مردم بندر زادگاه خودش گلایه می کند و می گوید که مردم قدر عالم را نمی داند. اضافه می کند که سال ۸۴ به زادگاهش برگشته است هیچ کسی سراغش را نرفته است. از مفاد و فحوای کلام ایشان چنین نتیجه می گیرم که مردم، قدر ناشناس عالمان و فرزاندان وطن شان اند.

با خودم می گویم زیاد مزاحم وقت شریف شان نشوم. ارزو می کنم که هرچه عاجل کسالت شان رفع شود و عمر پر برکتش بیش باد. وقتی که می خواهم خدا حافظی کنم، کتاب شرح عوامل ملا محسن را هدیه می کند و سپس تا دم دروازه آپارتمانی که متعلق به یکی از نهادهای علمی است و در اختیار اساتید قرار داده شده است، بدرقه می کند. در وقت خدا حافظی به چهره ایشان که نگاه می کنم، با خودم می گویم که استاد شیخ محمدداد واعظ بندر خیلی پیر شده است. چینههای پیشانی اش حکایت تجربیات و گذشت ایام را نشان می دهد. باز هم آرزو می کنم که عمر طولانی اش بیش باد تا شاگردانی خوشه چین حوزه درسی ایشان باشد و از تجربیات و دانش شان بهره مند گردد.



می گوید که تصمیم دارم به سفارش محصلین ادبیات عرب شرح کتاب "عوامل" و شرح کتاب "هدایه" را بنویسم. هر دوی این کتاب از جزو کتب درسی تمهیدی در حوزه درسی ادبیات عرب قرار دارد.

از استاد واعظ در رابطه با سوابق علمی ولسوالی سنگ تخت- بندر می پرسیم. متأسف می شوم. زیرا که علمای این سامان در غبار زمانه و گذشت ایام گم شده اند. استاد واعظ فقط از علمای معاصر نام می برد و می گوید که در دهه های قبل دو ملا و عالم بزرگ در بندر و سنگتخت زندگی می کرده اند. از مرحوم آقای مشهد نام می برد و می گوید که ایشان مجتهد بوده است. مشهدی اصالتاً از از سیدهای لولج و قلعه زرین غجورباش بندر بوده که به منطقه سنگ تخت رفته و به تدریس پرداخته است. قبرش در قریه خلیبرگ سنگ تخت واقع است. مرحوم مشهدی آیت الله، سطح تمام و صاحب نظر بوده است. او در حوزه علمی مشهد در ولایت خراسان ایران تحصیل کرده بوده است. از مرحوم شیخ قاسمعلی یاد می کند و می گوید وی عالم در فلسفه و کلام بوده است. اضافه می کند که شیخ قاسمعلی متن حاشیه ملا عبدالله را (از کتب درسی دوره تمهیدی علم منطق حوزه های علمی) ازبر داشته است.

از نام دیگر که به بزرگی می کند سید حسین موسوی (سید عالم بندر) است. به قول استاد واعظ سید عالم بندر، آیت الله و مجتهد بوده است. خصوصاً در علم فلسفه صاحب نظر بوده است. مردم محل وی را کافر می دانسته است. زیرا که ایشان نسوار را در ماه مبارک رمضان مبطل روزه نمی دانسته است. یعنی ایشان در این باره اجتهاد کرده بوده است. راجع به زادگاه آیت الله سید عالم بندر می پرسیم، می گوید اصالتاً از سادات بندر و از اولاد شاه ناطق نیلی است و قبرش در قریه سیاسنگ بندر واقع است. وی هم عصر مرحوم شیخ قاسمعلی بوده است.

دیگر از عالمان و فرزاندانی که با بزرگی و احترام بسیار یاد می کند: مرحوم استاد شیخ موسی کربلایی بندر است. درباره

اینکه نزد چه کسانی تلمذ کرده اند. می گوید ادبیات عرب را نزد استاد کل یعنی استاد شیخ موسی کربلایی بندر در زادگاهم تلمذ کرده ام. و پس از حضور در حوزه علمی نجف عراق کتابهای درسی موسوم به "المکاسب" در فقه استدلالی شیعه و کتاب موسوم به "کفایه الاصول" در علم اصول را نزد آیت الله تبریزی و برخی از قسمتهایش را نزد آیت الله شیخ کاظم تبریزی خوانده ام (دو تبریزی دو نفر هستند). و کتاب شرح لمعه دمشقیه را نزد آیت الله مدنی خوانده ام. و قسمتهای کتاب منظومه در فلسفه اسلامی را پیش شیخ مسلم ملکوتی فرا گرفته ام.

از استاد واعظ می پرسیم در طول مهاجرت در ایران چه مصروفیتهای تعلیمی داشته است؟ می گوید که در این سالها تدریس داشته ام. مدت هفت و نیم سال است که کتابهای تخصصی ادبیات عرب مانند المغنی و مهذب و در علم اصول کتاب درسی موسوم به "اصول الفقه" و در علم بلاغت و فصاحت کتاب موسوم به "مختصر المعانی" تدریس کرده ام. استاد واعظ از حافظه قوی برخوردار است. به طوری که اشعار کتاب تخصصی و استدلالی ادبیات عرب "سیوطی" را ازبر دارد. همچنین به تعداد ۱۰۰۰ بیت کتاب الفیه ابن مالک را در باب ادبیات عرب از حفظ دارد. همینطور به تعداد ۱۰۰۰ بیت عربی متن کتاب سیوطی که در حوزه درسی ادبیات عرب به اقوال شاعر مسمی است از بر دارد. حفظ متون درسی و مواد تدریسی ادبیات عرب نشان می دهد که استاد واعظ چقدر به ادبیات عرب تسلط دارد.

از کارهای تألیفی ایشان سؤال می کنم، می گوید یکی از شاگردانم تقریر درس مرا تحت عنوان "شرح عوامل ملامحسن" ترتیب داده است و به چاپ رسانده است. شایان ذکر است که کتاب عوامل ملا محسن از جزو کتب درسی تمهیدی محصلین علوم دینی است که حضرت ایشان برای سهولت در فهم آن شرح زده است. از دیگر آثار شان به دست نویسهای در باب علم اصول نام می برد که متأسفانه تلف شده است. از برنامه های آتی ایشان می پرسیم،

## دیدار هیئت عالی رتبه و فوق العاده جمهوری اسلامی افغانستان با مردم ولایت دایکندی

به راه انداخته بوده اند.

اما آن عده که به اتهام دست داشتن به لت و کوب آقای شیرزاد توقیف شده اند، هیچ نقشی در لت و کوب نداشته است. آقای هاشمی پای نیلی که نیز به نمایندگی مردم صحبت می کرد گفت: مردم دایکندی پشتیبان حکومت بوده و همیشه آرزو داشته است که یک حکومت اسلامی داشته باشند. همچنین یکی دیگر نیز به نمایندگی از مردم گفت که شهرک چند سال پیش قرار بود در دایکندی اعمار شود. اما بنا به دلایل مختلف تا هنوز از آن خبری نیست. و از هیئت دولت خواهان پیگیری در این مورد گردید.

پس از آن رئیس تفتیش استره محکمه کشور که ریاست

هیئت عالی رتبه و فوق العاده دولت که در پی لت و کوب آقای شیرزاد رئیس محکمه مرافعه شهری ولایت دایکندی و بررسی حادثه در نیلی مرکز ولایت آمده بودند، با تعدادی از مردم مرکز ولایت دیدار و گفت و گو کردند. در این دیدار و گفت و شنود، چند تن از نمایندگان مردم به طرح مشکلات در رابطه به لت و کوب رئیس محترم محکمه مرافعه شهری و جنجالهای برخاسته از آن و دیگر مشکلات مردم دایکندی با هیئت دولت پرداختند. یکی از کسانی که به نمایندگی از مردم صحبت می کرد گفت: مردم دایکندی مردم فرمانبردار و در قضیه جنجالی برانگیز اخیر که جنبه قانونی نداشته نسبتاً تمام مردم مرکز ولایت اشتراک داشته و تظاهرات

## قتل در اثر نزاع فامیلی

در اثر نزاع فامیلی در قریه صرف و آمج از توابع ولسوالی شهرستان دایکندی یک نفر کشته شد. علی محمد ساکن قریه آمیج که از چندی بدین سو با برادرش دعوای زمین داشته است، به تاریخ ۹ ثور سال جاری از سوی برادر ناتنی اش مورد حمله مسلحانه قرار گرفت و زخمی شد. وی بعد از زخمی شدن به مغاره کوه پناه برد. ولی برادرش با یافتن وی در مغاره با فیر چند گلوله علی محمد را به قتل رساند. محمد ظاهر فاضلی باشنده قریه زردسنگ، توابع شهرستان در تماس تلفنی با را دبوی دایکندی گفت که قاتل پس از قتل برادرش از محل مواتری گردیده است. جنرال نادر دوران آمر امنیت قوماندانی امنیه ضمن تأیید موضوع گفت که امریت جنایی جهت بررسی واقعه به محل رفته است. ولی این مقام پولیس از علت قتل اظهار بی اطلاعی کرد.